



آیت‌الله الهی قمشهای و اعتقاد به برزخی بودن تجرد خیال

حسن بلخاری با اشاره به نظر آیت‌الله الهی قمشهای در باب تجرد خیال بیان کرد: ایشان معتقد است که حکمای مسلمان به تجرد خیال معتقد بودند...

حسن بلخاری با اشاره به نظر آیت‌الله الهی قمشهای در باب تجرد خیال بیان کرد: ایشان معتقد است که حکمای مسلمان به تجرد خیال معتقد بودند، البته بین حکمای مشرقی و یونانی تفاوت قائل می‌شود، اما نکته‌ای که در ابتدا بسیار دقیق شرح می‌دهند که بسیار روشن‌نگر است اینکه، وقتی از تجرد خیال می‌گوییم، منظور تجرد به نحو عقلی نیست، بلکه این تجرد برزخی است.

به گزارش ایکننا، مراسم بزرگداشت مقام علمی و فرهنگی حکیم میرزا مهدی محی‌الدین الهی قمشهای، فقیه، فیلسوف، شاعر و مترجم قرآن، امروز ۲۹ بهمن ماه با سخنرانی جمعی از اندیشمندان به صورت مجازی و به همت انجمن آثار و مفاخر فرهنگی برگزار شد. در ادامه متن سخنان حسن بلخاری، رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی را می‌خوانید؛

در مورد استاد الهی قمشهای، سخن گفتن سخت است. این ذووچوهی و علامه بودن ایشان و استواری ایشان در زبان نظم و شعر و قدرت ذهن ایشان در مسئله حکمت، آن توجه ویژه ایشان در زبان عربی که به ترجمه قرآن و نهج البلاغه و منظوم کردن بخشی از نهج البلاغه پرداختند و در عین حال مقام ایشان در فقاقت، در استادی دانشگاه تهران که ۳۳ سال تدریس کردند و انوار الهی بنشسته در جان را ساطع کردن و تعلیم دادن و به نظرم عالی‌ترین وجه حیات ایشان، پیوند خوردن نام ایشان با تفسیر و ترجمه قرآن، بسیار مهم است. قرآن را که به دست می‌گیرد ترجمه ایشان نیز هست و عنوان مهدی الهی قمشهای را با قرآن زیاد می‌بینید.

در باب وجوهات مختلف این استاد، سخن گفتن مشکل است. من یک مورد را در این مجلس از شخصیت فلسفی ایشان می‌گویم. استاد یک کتابی دارند تحت عنوان حکمت الهی عام و خاص و به زمینه این، شرح فصوص حکیم فارابی و قسمت روانشناسی منطقی نیز در این کتاب جمع شده است. در بحث شرح رساله فصوص فارابی، بحث بسیار جدی و عمیقی دارند و سعی کردند با استناد به یافته‌های خودشان از فارابی تا مثلاً جهانگیرخان قشقایی در حوزه مشاء و اشراق و فراتر از این دو حوزه، در مسئله کتاب مفتاح و متون عرفانی کار را پیش ببرند. از یک طرف به عرفان مسلط هستند که تجلی آن در اشعار ایشان وجود دارد و از سوی دیگر به علم کلام، فقه و متون اشراقی و مشائی که در نگارش این کتاب و شرح فصوص فارابی، به خدمت گرفته شده‌اند و نکات لطیفی بیان شده است.

یکی از مواردی که دوست دارم در مورد آن سخن بگویم، مسئله تجرد خیال است. استاد بابتی تحت عنوان اهمیت قوت خیال دارند و در این چند صفحه که ذیل همان بحث شرح فصوص الحکم بیان می‌شود، تقریباً تاریخچه مهمی را در باب خیال و تجرد خیال بیان کردند. از فارابی به این طرف بحث در باب قوه خیال و متخیله یعنی قوه‌ای که هم حفظ صورت می‌کند و هم تصرف و ترکیب در صورت را انجام می‌دهد، یکی از بحث‌های بسیار مهم فلاسفه مسلمان بوده است.

بحثی را جناب الهی باز کردند و آن اینکه، آیا خیال از سوی حکمای مسلمان امری مجرد گرفته شده یا مادی که این را خوب باز کردند. ایشان معتقد است که حکمای مسلمان به تجرد خیال معتقد بودند، البته بین حکمای مشرقی و یونانی تفاوت قائل می‌شود، اما نکته‌ای که در ابتدا بسیار دقیق شرح می‌دهند که بسیار روشن‌نگر است اینکه، وقتی از تجرد خیال می‌گوییم، منظور تجرد به نحو عقلی نیست، بلکه این تجرد برزخی است. این نکته جالب است و مرحوم الهی قمشهای میان تجرد عقلی و تجرد برزخی، تفاوت قائل می‌شود. تجرد عقلی مصون و برطرف از ماده است، اما تجرد برزخی مصون از برخی خواص ماده نیست، علتش نیز این است که در حضرت چهارم از حضرات خمسه ابن عربی با صوری روبه‌رو هستید که برخی از تعینات مادی را دارند. بُعد و رنگ ندارند، اما صورت دارند، لذا اصولاً این جهان، جهان برزخی است.

پس گویی مقام خیال که عبارت از مرتبه مثالی نفس ناطقه است، در فلسفه به مرتبه‌ای از اهمیت و عظمت است که برای آن نحوی از تجرد قائل هستند. اما تجرد خیال نه مانند تجرد عقل است، بلکه تجرد عقل تجرد تام کلی است، اما تجرد نفوس خیالیه تجرد برزخی است و مراد از تجرد برزخی مجرد بودن مقام خیال از ماده، دون عوارض است. چه آنکه در صورت عالم خیال بالوجدان ماده حسیه نبوده، اما شکل و صورت مقداری خواهد بود، پس مرتبه خیال مجرد و غیرجسمانی است.

سپس ایشان به سراغ ملاصدرا می‌روند، چون وقتی بحث تجرد خیال در فلسفه می‌آید، بلافاصله اسم ملاصدرا به میان می‌آید

و می گویند اثبات تجرد خیال با ملاصدرا است و خود وی نیز ادعای انفراد می کند و می گوید اول کسی که بحث اثبات تجرد خیال را پیش کشیده من هستم. ظاهراً ملاصدرا ادله قبل از خود را کافی نمی دانستند که ادعای انفراد کردند، اما منظور استاد این است که قبل از ملاصدرا، این بحث مطرح بوده است. البته نظر مشهور این است که ایشان با پیش کشیدن مثال مربعی که اطرافش دو مربع است اثبات می کند، صور ناشی از ماده این قلمرو خیال را تغذیه می کنند، ارسطو نیز به همین دلیل خیال را مادی می دانست، چون مبنای ظهور خیالات صور مادی هستند. ابن سینا نیز با مسئله مربع ها این حرف ارسطو را اثبات می کند که خیال مادی است، اما استاد حسن زاده آملی معتقد است اگر مباحثات ابن سینا را بخوانید، ایشان سخن از تجرد خیال گفته است و یک رای و نظر در حوزه ابن سینا این است که ایشان از تجرد و خیال صحبت کرده و این یک مورد است و فاصله زمانی صدرا با ابن سینا را نیز می دانید که چقدر است.

از طرف دیگر فخر رازی این مسئله را مطرح کرده است و آن مسئله مشهور را که اگر قبول کنید این خیال مادی است، لاجرم صور مادی که حاصل می شود، باید انطباق صغیر در کبیر باشد که نمی شود. لذا ۵۰۰ سال قبل از صدرا این بحث تجرد را در قلمرو تفسیر، فخر رازی مطرح کرده است و ابن سینا نیز در مواردی به تجرد خیال پیوسته و بعد شیخ اشراق را نمی شود نادیده گرفت و وقتی عالم برازخ را پیش می کشد، میان تجرد عقلی و تجسد مادی به جهان برزخی معتقد می شود که فوق العاده تاثیر دارد. ابن عربی نیز هست و پس از صدرا هرکس به تعمق بنگرد، رد پای بسیار جدی و عمیق را از تجرد خیال پیدا می کند، اما اینجا استاد بنا بر محبت و تعلقی که به ملاصدرا دارند می گویند اگر ادعای انفراد می کند، به این دلیل است که ادله قبلی را تام و کافی ندیده است و نحوه بیان ایشان فوق العاده جالب است.

این رویکرد استاد قمشه ای به مسائل حکمی اول ساده کردن آنها و بعد یک نقد فوق العاده ظریف و لطیف اخلاقی است که از تخلق ایشان برمی خیزد که در حد خودش جالب است و کسانی که می خواهند یک دوره نگاه نقادانه و عالمانه ای به حکمت اسلامی داشته باشند، این اثر عام و خاص و شرحی که بر فصوص الحکم فارابی دارند می تواند بسیار موثر باشد.